

اخوان المسلمون

اخوان المسلمون

الاخوان المسلمون، «برادران مسلمان» نهضت اسلامی دینی و سیاسی که در مصر توسط حسن بناء* تاسیس شد. تاریخ: بسیاری از جنبه های تاریخ الاخوان المسلمون هنوز ناشناخته مانده است، و این امر در مورد نهضتی که فعالیت های سری فراوان داشته و چندین بار قدرتهای حاکم زمان را در معرض تهدید قرار داده، و از جانب آنها مورد تعقیب واقع شده، و بسیاری از سران تندرو مشهور آن هنوز (1969) گرفتار تبعید هستند یا تحت نظر پلیس کشور خود قرار دارند، کاملاً طبیعی است. در تاریخ این نهضت چند مرحله جداگانه می توان تشخیص داد: 1. مرحله تأسیس (1928-36). 2. یک مرحله فعالیت سیاسی و گسترش، و سپس دوره گرفتاری (1936-52).

الاخوان المسلمون، «برادران مسلمان» نهضت اسلامی دینی و سیاسی که در مصر توسط حسن بناء* تاسیس شد. تاریخ: بسیاری از جنبه های تاریخ الاخوان المسلمون هنوز ناشناخته مانده است، و این امر در مورد نهضتی که فعالیت های سری فراوان داشته و چندین بار قدرتهای حاکم زمان را در معرض تهدید قرار داده، و از جانب آنها مورد تعقیب واقع شده، و بسیاری از سران تندرو مشهور آن هنوز (1969) گرفتار تبعید هستند یا تحت نظر پلیس کشور خود قرار دارند، کاملاً طبیعی است. در تاریخ این نهضت چند مرحله جداگانه می توان تشخیص داد: 1. مرحله تأسیس (1928-36)

که در آن غلبه با فعالیت های دینی و سیاسی بود. پس از تأسیس «جمعیه- الاخوان المسلمین» در 1928 در اسماعیلیه* مصر، شعبه هایی از آن در نقاط مختلف منطقه کانال سوئز، و سپس در سراسر مصر تشکیل شد، و این تأسیس شعب مخصوصاً پس از انتقال محل خدمت آموزگاری حسن بناء به قاهره در 1933 که با آن مقر مرکزی اخوان نیز قاهره شد، وسعت بیشتر پیدا کرد. داعیانی (دعاة، مفرد آن داعی) که بیشتر آنان را خود مؤسس و رهبر کل («المرشد العام»)، مامور کرده بود، در مساجد و محلهای عمومی دیگر به موعظه و تبلیغ پرداختند؛ اخوان مدارسی را در سطوح مختلف تأسیس کردند و کلاسهای تعلیمات دینی و مبارزه با بیسوادی و بیمارستان و درمانگاه در نقاط مختلف فراهم آوردند، و برای بهتر کردن سطح زندگی روستائیان به کارهای مختلف دست زدند، و مسجد ساختند و حتی وارد اقدامات صنعتی و بازرگانی نیز شدند.

2) یک مرحله فعالیت سیاسی و گسترش، و سپس دوره گرفتاری (1936-52). حسن بناء، پس از امضا شدن پیمان میان انگلستان و مصر در 1936، به طرفداری از عرب فلسطین برخاست، و همین امر سبب شد که نهضت او در سراسر خاورمیانه و مخصوصاً سوریه انتشار پیدا کند و مایه شهرت و اعتبار روز افزون او در خود مصر شود. در ضمن جنگ جهانی دوم، در 1941 حسن بناء به علت تبلیغات ضد انگلیسی شدید خود مدتی زندانی شد. ظاهراً در این زمان افسران آزاد که بعدها در 23 ژوئیه 1952 زمام امور مصر را به دست گرفتند، با اخوان روابط دوستانه داشتند، ولی این دو نهضت همیشه از یکدیگر جدا بود و میان آنها وابستگی وجود نداشت. احتمال دارد که حسن بناء علاوه بر گروههای ورزشی و شبه نظامی که فراهم کرده

بود، یک ارتش مخفی نیز داشته و به دست گرفتن حکومت با زور نیز از اندیشه او یقیناً دور نبوده است. اخوان، به انتظار موقعیت مناسب فعالیتهای تربیتی و اجتماعی خود را ادامه می دادند و در زندگی سیاسی مصر هر روز نفوذی بیشتر پیدا می کردند ولی این نفوذ در خود کشور بود نه در پارلمان آن. از 1943، با رقابت کمسیونرها روبرو شوند که با جناح چپ حزب وفد متحد شده و مانند اخوان به انگیختن سیاسی دانشجویان و مردم پرداخته بودند. چپی های مصر اخوان را متهم می کردند که برای مبارزه با ایشان اخوان نیرو بیشتر مصرف می کنند تا برای مخالفت با انگلیسها، و این کار را با شدت عمل و حتی توسل به آدمکشی انجام می دهند. اخوان داوطلبانی را تربیت کردند که در جنگ 1948 فلسطین در کنار سپاهیان عرب می جنگیدند. پس از شکست عربها، این سربازان داوطلب نیروی منظمی شده بودند که می توانست مقابل حکومت مصر بایستد؛ دولت نقراشی فرمان انحلال جمعیت اخوان و مصادره دارایی آن و توقیف عده زیادی از اخوان را صادر کرد. نقراشی در 28 دسامبر 1948 توسط یکی از اخوان کشته شد و اندکی بعد در 12 فوریه 1949 خود بناء به قتل رسید؛ تحقیقات درباره این قتل هرگز به انجام نرسید جمعیت اخوان پوشیده به کار خود ادامه داد و حسن اسماعیلی هضیبی که یک دادرس بود به عنوان رهبر کل به جای حسن بناء انتخاب شد، ولی رهبری او مکرر مورد اعتراض قرار گرفت در 1951، بر اثر تصویب قانون مربوط به مجامع (23 آوریل)، اخوان توانستند بار دیگر فعالیت آشکار خود؛ را از سر بگیرند ظاهراً هر عمل محرمانه و آمادگی نظامی ممنوع شده بود، ولی اخوان به زودی این منع را ندیده گرفتند. در حمله به پایگاههای نظامی انگلستان در منطقه کانال سوئز شرکت جستند ولی سهم ایشان در آتش سوزی 26 ژانویه 1952 قاهره درست روشن نشده است. (3) اخوان المسلمون در حکومت انقلابی (از ژویه 1952). نهضت سری «افسران آزاد» که در 23 ژویه 1952 قدرت را به دست گرفت، برنامه ای داشت که از بسیاری جهات و بالخاصه در مسائل اجتماعی به برنامه جمعیت اخوان شبیه بود؛ از این گذشته، بسیاری از افسران انقلابی یا عضو جمعیت اخوان بودند یا نسبت به آن مهر می ورزیدند شاید به همین جهت بود که حکومت انقلابی در آغاز خواستار تایید وحتى همکاری جمعیت اخوان بود و در 16 ژانویه 1953 که همه احزاب سیاسی منحل شدند حکومت موافقت کرد که جمعیت اخوان را جمعیتی غیر سیاسی به حساب آورد. ولی ظاهراً هضیبی خواستار نظارت بر تصمیمات شورای انقلاب و حتی داشتن حق وتو بود و می خواست به خود عنوان ناظر اخلاقی انقلاب بدهد که البته این در خواست او مورد قبول قرار نگرفت. اخوان بزودی به حکومت جدید حمله ور شدند و برنامه ها و اقدامات نخستین آن را به اندازه کافی مطابق با کمال مطلوبهای اسلامی خود ندانستند. در 1953 کشمکش پنهانی ولی شدید در گیر شد؛ اخوان تبلیغات خود را در میان دانشجویان و سندیکاها گسترش دادند و بعضی از ایشان در ارتش وحتى در شهربانی دست به توطئه زدند. در 13 ژانویه 1954 بار دیگر جمعیت آنان به دستور دولت منحل شد و صدها نفر از رهبران آن به زندان افتادند؛ ولی در نتیجه رقابت موجود میان ژنرال محمد نجیب و سرهنگ جمال عبدالناصر، بار دیگر آزاد شدند و حق پیدا کردند که اجتماعات خود را به عنوان اجتماعات غیر سیاسی داشته باشند. امضای پیمان میان انگلستان و مصر در 19 اکتبر 1954 سبب برخوردی تازه شد. اخوان آن پیمان را به نفع انگلستان می دانستند و حتی مخالف اصل مذاکره با انگلیسها بودند و کشمکش مسلح را یگانه روش ممکن می شمردند. در 26 اکتبر 1954 نزدیک بود سوء قصد یکی از اخوان در حق جمال عبدالناصر سبب مرگ او شود؛ عکس العمل دولت دستگیر و محاکمه کردن بیش از هزار نفر از ایشان و اعمال مجازات های شدید بود؛ شش نفر از ایشان، و از جمله عبدالقادر عوده وکیل دادگستری و نویسنده محکوم به مرگ و اعدام شدند؛ هضیبی رهبر کل نیز به مرگ محکوم شد ولی پس از آن حکم را به زندان ابد

تبدیل کردند. چنین گمان می رفت که نهضت اخوان از پای افتاده است؛ بسیاری از اعضای آن که مخالف روش ایجاد ترس و آدم کشی بودند، به حکومت جدید پیوسته بودند. از آن پس جمعیت به صورت زیرزمینی باقی بود؛ در تابستان 1956، توطئه ای از اخوان برای برانداختن حکومت سرهنگ عبدالناصر کشف شد و چند صد نفر را توقیف کردند؛ بازجوئی ها محاکمه ها مدت یک سال طول کشید؛ در اوت 1966 دولت سه نفر را اعدام کرد که یکی از آنان سید قطب نویسنده معروف اخوان بود، و علاوه بر آن گروه زیادی به زندان با اعمال شاقه محکوم شدند. با همه این احوال هنوز (1969) جمعیت اخوان به حیات مخفی خود ادامه می دهند و پیوسته تهدیدی برای حکومت به شمار می رود.

الاخوان المسلمون در خارج مصر:

در سایر کشورهای عربی نیز جمعیت های مشابهی با الهام گرفتن از اخوان مصر در همان زمان تأسیس شد، ولی گفتن اینکه آن جمعیتها از لحاظ تشکیلات مستقل بوده یا به اخوان مصر بستگی داشته و در چنین صورتی این بستگی تا چه حد بود دشوار است. در سوریه در 1937 جمعیت الاخوان المسلمون تشکیل شد که فعالیت و گسترش آن به اندازه جمعیت اخوان مصر نبود، ولی بعضی از آن در کشور خود مناسب سیاسی رسمی همچون نمایندگی مجلس و وزارت داشتند و اخوان سوریه مخصوصاً نفوذ اخلاقی و فکری قابل ملاحظه ای در تحت رهبری شیخ مصطفی سباعی (متوفی 1965) پیدا کردند. جمعیت های کم اهمیت تر و در بعضی موارد با عمر کوتاه تر در فلسطین و اردن و لبنان و عراق تأسیس شد. این را نیز باید گفت که اخوان مصر مورد محبت مردمان بسیاری از کشورهای عرب و مسلمان بوده اند و هنوز هم از این محبت برخوردارند.

اصول معتقدات:

اصول رسالت الاخوان المسلمون را می توان چنین خلاصه کرد: اسلام در نظر ایشان نظامی است که همتایی ندارد، چه از جانب خدا وحی شده و در آن تکلیف همه سیمای های زندگی بشری روشن است: «اسلام عقیده است و عبادت، وطن و ملیت، دین و دولت، روحانیت و عمل و قرآن و شمشیر است» (حسن بناء)؛ بعلاوه، این نظام برای هم، افراد بشر در هر زمان و هر مکان متناسب است. اصالت اخوان در اصول اعتقادی ایشان نیست زیرا که بسیاری از عناصر آن را در مواعظ جمال الدین اسد آبادی* می توان یافت، بلکه در آن است که مؤسس این نهضت، با ساده کردن و خشک تر کردن این اصول، آن را مایل بسیج فکری یک نهضت نیرومند توده ای ساخت اصول اعتقادی و ایمانی اخوان، بالخاصه حسن بناء که در مذهب تربیت یافته بود، از اندیشه بازگشت به ایمان نیاکان پرهیزگار (السلف الصالح) امت اسلامی سخت تاثیر پذیرفته است؛ مومن نمی تواند خدا را جز از راهی که خود در قرآن توصیف کرده یا از طریق سخنانی که از دهان پیغمبر بیرون آمده است، بشناسد؛ ولی ایمان فرد مسلمان با نوری که از وقف کردن زندگی خویش برای خدمت به اسلام بر قلب و ذهنش می تابد، پاکتر و روشنتر می شود و پرورش پیدا می کند. به همین منظور بر اخوان فرض بود که با خواندن قرآن و اندیشیدن (تدبر) در زهد بکوشند و نیز در مطالعه حدیث و خواندن تاریخ عبرت انگیز صدر اسلام سعی بلیغ کنند. اخوان، به هر یک از مذاهب اسلامی که معتقد باشند، علی رغم اختلافات میان خود، در مخالفت با علم کلام اتفاق کلمه دارند، زیرا معتقدند که کلام بیش از حد به فکر یونانی که با اسلام اصیل بیگانه است، آلوده است و می گویند که همین بحث های کلامی در گذشته سبب پراکندگی مسلمانان شده و اکنون نیز موجب اختلاف و انشقاق است و از وحدت کلمه مسلمانان که برای مبارزه با استعمارهای بیگانه ضروری است جلوگیری می کند. نخستین

هدف تعهد اخوان به خدمت اسلام، نبرد با هجوم مغرب زمین به جهان اسلام است به هر صورت که بوده باشد. این نبرد نخست باید در خارج چندان ادامه پیدا کند که همه کشورهای اسلامی از تسلط بیگانگان آزاد شوند، و سپس در کشور مصر اخوان بران بودند که زندگی مصری را در همان جنبه های متعددی که تحت نفوذ غرب - ایشان این نفوذ را در حال نقصان می پنداشتند - در آمده بود از نو به صورت اسلامی درآوردند. این جنبه ها شامل سیماهای مختلف زندگی اجتماعی بودند: از لباس پوشیدن و سلام کردن و به کار بردن زبان خارجه و تعیین ساعات کار و بیکاری و گاه شماری و گذراندن ایام تعطیل و نظایر اینها، تا سازمانهای آموزشی و قضایی و سیاسی و نیز قلمرو افکار و احساسات. نسبت به مسائل مربوط به زندگی خانوادگی و وضع اجتماعی زن نیز غفلت نشده بود؛ از طرف دیگر، به موازات نهضت برادران مسلمان یک نهضت خواهران مسلمان (الاخوات المسلمات) نیز تأسیس شده بود. یکی از نقاط اصلی برنامه اخوان این بود که قوانین مصر را که از قوانین اروپایی الهام گرفته بود، براندازند و قوانینی را که بر مبنای شریعت اسلام باشد، جایگزین آنها کنند. مسئله تکامل فقه اسلامی به نظر ایشان کمابیش معتبر نبود زیرا بنابر عقیده ایشان اجتماعی که نو شده است و در اسلام حقیقی زندگی می کند، برحسب مسائل تازه و غیر منتظره ای که پیش می آید، باید به استناد اصولی که وحی شده است، قوانین تازه ای وضع کند (سید قطب). اخوان کوشیده اند تا برمبنای مفاهیم شرعی اسلام همچون زکات و نهی از ربا و نظایر اینها اصول کلی اقتصادی و اجتماعی وضع کنند. و از روی قرآن و حدیث و تاریخ آغاز اسلام و تفسیر شایسته آنها راه حل هائی برای مسائل و مشکلات قرن حاضر پیدا کنند. سید قطب و مصطفی سباعی ظاهراً کسانی هستند که با نوشته های خود به این اصول و روشهای عمل نظم خاص بخشیده اند؛ آنان یک سوسیالیسم اسلامی (اشتراکیه اسلامی) وضع کرده اند که در عین داشتن مزایای سرمایه داری و کمونیسم، هم از لحاظ ماهیت و هم از لحاظ هدف با این هر دو کاملاً متفاوت است. مالکیت خصوصی را به عنوان یکی از حقوق تضمین کرده اند، ولی آن را حقی دانسته اند که از طرف جامعه و امت مسلمان، که نگاهبان اموال یگانه صاحب حقیقی مال یعنی خدا است، به فرد تفویض شده است. دولت که نماینده امت مسلمان است این حق و وظیفه را دارد که در این امر که اصل ثروتی که به فردی رسیده از کجا بوده است تحقیق و بازرسی کند و در طرز استفاده از آن نظارت داشته باشد، و سهم نیازمندان را از آن بردارد. علاوه بر این اصول که قانون و سیاست اجتماعی اسلامی حقیقی باید بر روی آنها بنا می شد، فضائل از خود گذشتگی و نیز فداکاری و اخوت متقابل که، بنابر قول این دو نویسنده، پیش از هجوم غرب مادی در کشورهای مسلمان وجود داشته است تجلیل و افزوده شده است که این فضائل را باید از نو تعلیم کرد چه هدف نظام اسلامی رسیدن به همین منظورها است.

دومین غرض بزرگ اخوان ایجاد یک دولت کاملاً مسلمان است؛ کمال مطلوبی که باید پس از گذشتن از چندین مرحله مقدماتی به آن رسید، تأسیس دولت واحد اسلامی بود که به رهبری یک خلیفه بر سراسر مسلمانان جهان حکومت داشته باشند. تا رسیدن آن زمان، تعدد دول اسلامی قابل قبول است. رئیس مملکت توسط مردم انتخاب می شود و در مقابل ایشان مسئول است؛ امت حق نظارت خود را توسط نمایندگان شایسته ای که خود برگزیده است (اهل الشوری) اعمال می کند، و این نمایندگان رهبر مملکت را بر می گزینند و در کارهای او نظارت می کنند و با همکاری با او به وضع قوانین می پردازند. هر صاحب قدرتی باید با مشورت زیردستان خود عمل می کند و هر فرد جامعه وظیفه دارد به صاحب قدرت اندرزه های نیک (نصیحة) خود را ابراز کند. چنین دولت اسلامی کارش در داخل کشور مراقبت در مراعات قانون اسلام است، و در خارج فرستادن و حمایت مبلغانی است که به کشورهای دیگر بروند و اسلام

را به ملت‌های دیگر معرفی کنند، و دیگر اینکه پیوسته، و اگر لازم باشد با سلاح، برای تأمین عدالت و خیر کلی بشریت مبارزه کند (امر به معروف و نهی از منکر).
افکار الاخوان المسلمون انتشار فراوان پیدا کرد و حتی پس از انحلال رسمی این جمعیت نیز در حال انتشار است و امروزه بر ادبیات اسلامی و کتاب‌های دینی و مذهب عامه و بالخاصه آنچه که به زبان عربی، نوشته می‌شود، تاثیر فراوان دارد.

مراجع:

به آثار و نقدهائی که M. B. Jones. در مقاله «البناء» نقل کرده است، آثار ذیل باید اضافه شود:
Christina

,Ph. Harris, Nationalism and Reiolution in Egypt

;the role of the Muslim Brotherhood, London 1964

Anouar Abdel Malek, Egypte societe militaire paris

see index); f. Bertir, lideologie politique) 1962

;(des Freres Musulmans, in Orient, no. 8 (4emetrim. 1958

h. Laoust, les schisms dans ;43-57

PIslam paris 1965, 375-9

تاکنون نه از نوشته‌های حسن البناء - که صرف نظر از شرح حال او بقلم خودش بنام [مذکرات الدعوه و الداعیه]، قاهره بدون تاریخ، عبارتند از رساله‌های کوچک و مقالات روزنامه‌ای و سخنرانی‌ها- فهرست کاملی تهیه شده است نه از مجله‌هایی که اخوان منتشر کرده‌اند و نه از آثار متعدد مبلغین آنها. با این همه می‌توان با استفاده از

,I. M. Husaini, The Moslem Brethren and C. p. Harres op. cit

و داغر، [مصادر الدراسة العربیه]، بیروت 1956، 12-209، فهرست نسبتاً جامعی از این اسناد تهیه کرد. چاپ مجدد جدید: [مجموعه رسائل الامام الشهید حسن البناء]، دارالاندلس، بیروت 1956 (500 صفحه). آثار مختلف البناء به تفاریق در کشورهای عربی مجدداً به چاپ رسیده است. ترجمه‌ها: بعضی آثار البناء در مجله orient به فرانسه ترجمه شده است: [نحوالنور]،

;vers la lumiere, tr. J. Marel, no. 4, 37-62

ترجمه یک مقاله:

La nouvelle remaissance du monde arabe et son orientation by A. Miquel, no. 6, 139-
;44

B. Raulkiaer[2] Openhein. [3]. Caskil. [4] G. Rentz, Oriens[5]. S. M. Stern, new .[1]
information...[6]. The authorship...[7]. Ivanov[8]. Casanva[9]. Fr. Dieterici, Die
philopsphie der Araber.[10]. Revelation er vision veridigue Chez Ikhwan as- safa.[11].
De Goeje, Les Carmathes du Bahrain et les Fatimides.[12]. Une date astronomique...
[13]. Corbin, Hist. Phil. Isl.[14]. Imamats [15]. Sabeens et Ikhwan al- safa".[16]. Hermes
.Trismrgistus.[17]. Porphyry. [18]. Enneads[19]. Vettius Valens